



عیسی بدو گفت: «ای زن مرا تصدیق کن که ساعتی می آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. شما آنچه را که نمی دانید می پرستید اما ما آنچه را که می دانیم عبادت می کنیم زیرا نجات از یهود است. یوحنا ۴: ۲۱-۲۲ (آیات ۱۴ تا ۲۲ را مطالعه کنید)



انجیل یوحنا روشن می سازد که افراد بسیاری در طول خدمات زمینی عیسی پیرو و یا حداقل شیفته او شده اند. عیسی پیش از این با نیکودیموس که یک رهبر روحانی قابل احترام بود صحبت کرده بود (یوحنا ۳: ۱-۱۵) و اکنون با یک زن سامری صحبت می کند که به خاطر بی عفتی اش از سوی جامعه طرد شده است و در نقطه مقابل او قرار دارد (۴: ۱-۲۶). علیرغم تفاوت فراوانی که بین شخصیت نیکودیموس و زن سامری وجود دارد، آنها در یک نکته اساسی با یکدیگر مشترک هستند؛ هر دوی آنها به تولد روحانی احتیاج دارند. همانطور که نیکودیموس در ابتدا، تعالیم عیسی را در این مورد درک نکرده بود، زن سامری هم با شنیدن صحبت های عیسی مسیح متعجب شد. آن زن تصور می کرد که عیسی آب فراوانی را به او عطا می کند که دیگر مجبور نباشد برای کشیدن آب به کنار چاه سوخار آید (۴: ۷-۱۵).

عیسی به دلیل کج فهمی زن از سخنانش موضوع بحث را تغییر داد. همانطور که از این متن مشخص است (۴: ۱۶-۱۸)، او نمی توانست ماهیت روحانی آبی که عیسی فراهم می کرد را درک کند مگر اینکه ابتدا نیاز مبرم خود را به تولد روحانی می فهمید. به همین دلیل عیسی صحبت های خود را به سمت گناه زن سامری سوق می دهد. عیسی مسیح از او در مورد شوهرش سوال می کند و زن در پاسخ اعتراف می کند که هیچ شوهری ندارد. سپس عیسی چهره واقعی و سراسر گناه او را برایش آشکار می کند. زن سامری پس از داشتن پنج شوهر که مرده یا طلاق گرفته بودند، با مردی زندگی می کرد که شوهرش نبود. در نگاه اول، اظهار نظر وی مبنی بر اینکه شوهری ندارد صحیح بود، اما او این واقعیت را پنهان می کرد که در گناه زندگی می کند. عیسی مسیح گناه زن را آشکار کرد تا توجه او را جلب کرده، نیازش را به یک منجی برایش آشکار سازد.

زن سامری به خاطر آنچه مسیح درباره گناهانش به او گفت تشخیص داد که عیسی چیزی فراتر از یک مرد عادی است. او پیش خود تصور کرد که عیسی حداقل یک نبی است (۴: ۱۹). همین تصور او از عیسی باعث شد تا موضوع را تغییر دهد. عیسی یهودی بود و یهودیان در کوه صهیون در اورشلیم خدا را پرستش می کردند. سامریان نیز مذهبی تحریف شده و برگرفته از عهد

قدیم را پیروی می‌کردند و برخی از کتب عهد قدیم را به عنوان کتاب مقدس خود قرار داده بودند و در کوه جرزیم در نزدیکی جایی که عیسی با آن زن ملاقات کرد پرستش می‌کردند. زن سامری در آیه ۲۰ یک موضوع الهیاتی را مطرح می‌کند؛ «پدران ما در این کوه پرستش می‌کردند و شما می‌گویید که در اورشلیم جایی است که در آن عبادت باید نمود». احتمالاً زن قصد داشت تا با مطرح کردن این سوال گناهانی را که عیسی برایش نمایان ساخته بود مخفی کند و توجه مسیح را به موضوعی دیگر جلب کند. عیسی به عوض اینکه درگیر مشاجره با زن شود در پاسخ به سوالش اعلام می‌کند که نجات از یهودیان نشأت می‌گیرد (۴: ۲۱ - ۲۲).

نحوه صحبت عیسی با زن سامری به ما می‌آموزد که در زمان بشارت انجیل به دیگران باید چگونه رفتار کنیم. اگر ما در مورد گناه صحبت نکنیم مردم نیاز خود را به منجی متوجه نخواهند شد. هنگامی که انجیل را بشارت می‌دهیم باید از رابطه انسان‌ها با خداوند که به خاطر گناهان انسان شکسته شده است صحبت کنیم و مسیح را به عنوان تنها راه ترمیم این رابطه به آنها معرفی کنیم. توجه داشته باشیم که عیسای مسیح نیامده است تا زندگی انسان‌ها را در این دنیا بهبود بخشد. او بر روی زمین آمد و خود را قربانی کرد تا به آنانی که ایمان آورند نجات و حیات ابدی بخشد.

 خداوندا به من حکمت بده تا بتوانم خبر خوش نجات را به شایستگی نام تو به دیگران بشارت بدم. لطفاً من را از روح و حکمت خودت پر کن تا بیشتر از قبل در مورد نجات با اطرافیانم صحبت کنم. خداوندا آنهایی که بشارت انجیل تو را می‌شنوند لمس کن تا زانوهایشان در برابر تو خم شود و ایمان آورند. آمین!

اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier Ministry)